



عقده

شبکه شناسایی و رتبه‌بندی هنرمندان شیعه



شهریور ۱۳۹۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مندرجات

← پیشگفتار / ۳

سخنی کوتاه در باب هنر و هنرمند

← اهداف طرح / ۵

شناسایی و تشویق هنرمندان متعهد که بر عهد خویش با خدای متعال باقی مانده‌اند

← بستر فعالیت / ۷

استفاده از شبکه جهانی اینترنت به عنوان بستر جهت توسعه ارتباطات و تسریع در اطلاع‌رسانی

← گستره و مقیاس / ۸

تبیین گستره تحت پوشش طرح در مرحله نخست

← سازوکار و فرآیند / ۹

معماری سازمان و تشکیلات مورد نیاز و برنامه‌های پیش‌رو مبتنی بر گردش عملیات

← توضیحات و تبیینات / ۱۵

بیان پاره‌ای نکات مهمه که توجه به آنها با توجه به ویژگی طرح غیرقابل اغماض به نظر می‌رسد



پیشگفتار

هر جامعه‌ای متشکل از احاد افراد است، افرادی که
علقه‌ای مشترک آن‌ها را امتی واحد نموده و حول
محوری جمع کرده است. علقه‌های متشکله جامعه را
معمولاً در فرهنگ؛ سنت‌ها، باورها و رفتارها و
مناسک اجتماعی مردم باید جستجو کرد. آنچه که
مردمی را مردم می‌نماید و تحت یک عنوان گرد
می‌آورد، لاجرم عنصر مهم وحدت‌بخش جامعه،
جایی در ریشه‌های عمیق باور آن‌ها یعنی فرهنگ جای
گرفته است.

تجلی این باورها اما در دستان خواص است. خواصی
که گروه‌های مرجع نامیده می‌شوند، به اعتبار محل رجوع
بودن در امور فرهنگی. خواص و نوادری که یک ملت
رفتار خود را از آن‌ها الگو می‌گیرد و باورهای خود را
در آینه درخشان آن‌ها کنترل و ارزیابی، اصلاح و تکمیل
می‌نماید.

یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های مرجع در هر
جامعه‌ای هنرمندان‌اند. گروهی که کارشان و فعالیت
روزمره‌شان به صورت غیرقابل انکار و اغمازی با فرهنگ
جامعه گره خورده است.

از دیرباز چنین بوده که اهل فن، متخصصین ساخت و تولید کالاها و ارائه خدمات، معمولاً در فعالیت‌های خود
بخش‌هایی از روح خود را می‌گنجانند. به هر اندازه که آن متخصص روح پرجولانی داشته، به هر میزانی که از بلوای
جماعت کناره می‌گرفته و با حقیقت درون خود خلوت می‌کرده و نیروهای درونی خود را می‌یافته، به آن مقدار که به
فراتر از وجود زمینی خود و طبیعت مادی پیرامون می‌اندیشیده و به آسمان می‌نگریسته، هر چقدر که قوه تخیل را به
کار انداخته و رؤیاپردازی می‌نموده، همان‌قدر هم در محصول خود امور غیرمتعارف و نادری می‌افزوده که مشتری و

مصرف‌کننده را متعجب، مبهوت و شگفت‌زده می‌ساخته است.

این طریقه اما به تدریج از صنعت انفکاک پیدا کرد و ماهیتی مستقل یافت و هنر به صورتی جدا از فرآیند تولید کالا و خدمات و مستقل از فروشنده و مشتری، به نحوی متعالی‌تر در جامعه جای باز کرد و سرپرستی حفظ سنت‌ها و باورها و ارتقاء و تغییر و تصرف در فرهنگ را برعهده گرفت.

امروزه هنرمند از یک سو پاسدار سنت‌هاست و از دیگر سو فوران خواسته‌ها، آرمان‌ها و آرزوهای ملت‌ها، او همچون کوهی پژواک مکرر میل‌هاست، تا با تکرار و تکرار و تکرار و نمایش برجسته این خواسته‌ها، سایر گروه‌های مولد را بر آن دارد، تا در راستای تحقق تعالی گام بردارند. امروز هنر بلندگوی نجواهای پیشروست.



اهداف طرح

با توجه به قدرتی که در هنر نهفته است، اگر هنرمند به عهدی که با صعود و تعالی بسته است پایبند نباشد و پژواک صدای مظلوم نگردد و بالعکس، خود را به دنیای مستکبرین و سرمایه‌داران بفروشد و محملی برای استمرار چپاول‌گری گردد، ارتجاعی خواهد بود در راستای فرهنگ، ارتجاعی کوتاه‌فکرانه و ستمگرانه، که برخلاف ظلم آشکار ستمکاران عالم که بی‌محابا بر خون و عرض و مال مردمان می‌تازند، پنهانی و در خفا، هویت کمال‌طلب بشریت را می‌دزد و تکه‌تکه می‌کند، آدمیانی می‌سازد مسلوب‌العقل و مست که به دست خویش، خون و عرض و مال را تقدیم جیب ثروتمندان هنرخر می‌نمایند و این بد ستمی‌ست بر هنر و قداست آن.



این طرح تلاش می‌کند راهی بگشاید در سازوکار مدیریت هنر در جامعه. مدیریتی مردمی و خودجوش، مبتنی بر سبک و سیاقی هنر سالارانه، جایی که هنر هنر را محک بزند و از هر سیاست‌بازی و سیاسی‌کاری و خرید و فروش باز بدارد. فضایی که هنرمندان بر هنر قضاوت کنند و آثار یکدیگر را ارزیابی نمایند و تعالی هنر که ذات هنر است، فارغ از جهالت‌های سرمایه‌داری، در مسیری آزاد به آرمان مقدس خود دست‌یابد. هنری که بر عهد خویش باقی بماند.

«عهد هنر» بر دستیابی به اهداف ذیل مصرّ است:

۱. ایجاد فضایی منحصراً هنری و فارغ از هر جوّ بلواگرانه سیاسی و اقتصادی
۲. هم‌گرا نمودن تمامی هنرمندان، با شناسایی و دعوت از آنان
۳. فراهم کردن سازوکاری برای ارزیابی هنری تمامی آثار، مبتنی بر قضاوت متعهدانه هنر
۴. تشویق هنرمندان متعهد، در راستای ایجاد موج گرایش هنرورزان به سمت و سوی تعهد هنری
۵. ارتقاء جایگاه هنرمندان در جامعه دینی، با تبرز پایداری ایشان بر عهد هنر



۶. کارافزایی و پرکار نمودن هنرمندان عهدگرا، با معرفی و رتبه‌دهی آنان در بستر فضای هنری کشور
۷. ایجاد خطی استوار، قویم و آشکار در عرصه هنر و هنروری، صراط و مسیری متعالی، بر اساس «عهد هنر»

«عهد هنر» از همین رو با طرحی که پیش‌روی شماست آغاز می‌شود. طرحی که برای دستیابی به اهداف فوق
تدبیر کرده و راهی اندیشیده است. راهی که هنر متعهد خواهد رفت تا به سوی تعالی و آرمان‌خواهی حرکت نماید و
محافظی برای قداست هنر باشد، هنری که پیش‌قراول رشد اجتماعی‌ست، نه مانعی برای ارتقاء کیفیت و کمیت سبک
و سیاق زندگی و کمال و سعادت بشری.



بستر فعالیت



از هنگامی که شبکه جهانی اینترنت پای به عرصه تعاملات بشری گذاشته است، فاصله‌ها را به کسری از ثانیه تقلیل داده و ارتباطات را به حدی فراتر از تصور پیشین بشر ارتقاء بخشیده است. آنچه در گذشته زندگی انسان ناممکن و غیرمحتمل به نظر می‌رسید، انتقال اطلاعات از فاصله‌هایی این‌چنین زیاد، امروزه به امری کاملاً عادی و معمول تبدیل گشته است.

هنگامی که چنین ابزاری فضای همکاری را این‌گونه وسیع گسترده، جفاست که از آن ابزار برای کار هنر و هنروی بهره برده نشود و عهد هنر که طرحی برای شناسایی و ارتباط‌گیری با هنرمندان متعهد است نسبت به آن بی‌تفاوتی نماید.

عهد هنر از همین رو اساس کار خود را بر اینترنت می‌نهد و بستر فعالیت خود را این ابزار نوظهور قرار می‌دهد. هدف این است که آثار از طریق اینترنت جمع‌آوری شده، همکاری اساتید هنر بر همین بستر ترتیب داده شود و در نهایت، اطلاع‌رسانی اصلی نیز بر همین پایه استوار گردد.

این‌گونه، اینترنت محور «شناسایی»، «ارتباط»، «انتقال؛ ارسال و دریافت»، «همکاری» و «اطلاع‌رسانی» در نظر گرفته می‌شود و طرح حاضر این‌چنین پرداخته و تنظیم می‌گردد.





گستره و مقیاس

موضوع طرح عهد هنر به نحوی است که لاجرم گستره وسیعی را می‌بایست تحت پوشش قرار دهد. مادامی که موضوع فعالیت، ساماندهی همکاری‌های هنری در عرصه هنر متعهدانه است، هنری که از مسیر اصلی خود خارج نگشته و همیشه در پی تعالی بشر باشد، تا جایی که هنر کشش دارد و بر زمین می‌گسترد و تا آنجا که تعهد در عرصه هنر ایجاب می‌نماید، کار باید پیشروی داشته باشد و فعالیت ادامه یابد.

اما در فاز اول طرح مقیاسی کوچک در نظر است؛ شهر قم. در این مرحله اول که آزمون توانایی‌هاست و به محک گذاردن دانایی‌ها که باید روش‌ها کنترل شده و با رفع نواقص اصلاح شود، تنها در گستره محدود تعیین شده به شناسایی هنرمندان و داوری آثار و رتبه‌بندی و ایجاد فضای همکاری و کارافزایی مبادرت خواهد شد.

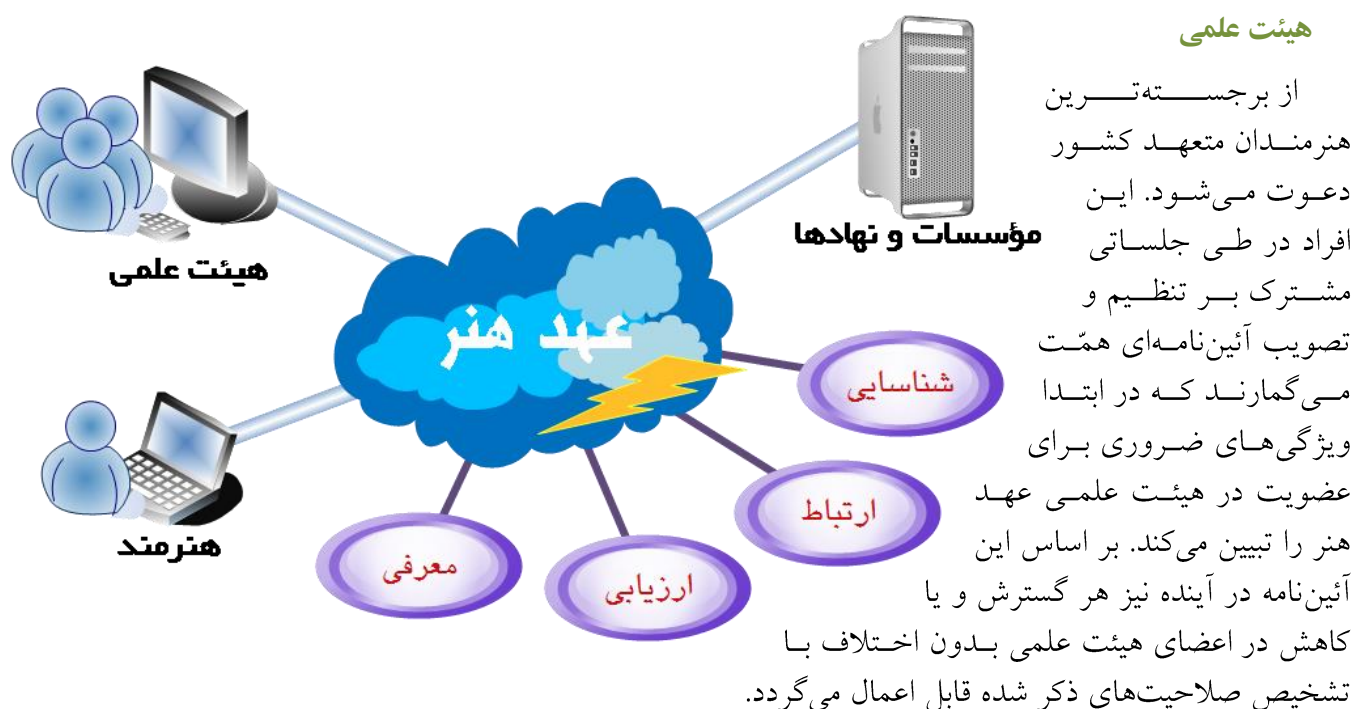
از یک سو عناصر اصلی تشکیلاتی عهد هنر و داوران و اساتید مبرز همکار، این مقیاس را به خوبی می‌شناسند و سال‌هاست در آن محیط به فعالیت مشغول بوده‌اند. هم از دیگر سو، تجلی‌گاه تعهد بودن شهر قم، امید مضاعفی برای دستیابی به تقویت هنر متعهدانه است.

پس از شش ماه پیاده‌سازی طرح و عملیاتی نمودن سازوکارهای عهد هنر، شهرهای دیگر مانند مشهد و اصفهان کانون توجه قرار گرفته و به تدریج استان به استان، بر اساس راهبردی که هیئت علمی عهد هنر تعیین نمایند، فعالیت گسترش خواهد یافت.

آنچه آرزوی ماست، غایتی که نظر بر آن است و مطلوبی که برای رسیدن به آن تلاش خواهیم نمود، پوشش دادن تمامی گستره فعالیت هنر متعهد شیعه است، فضایی که فرهنگ، باورها، سنت‌ها و اندیشه‌های خردورزان در آن حفظ گشته و برای دستیابی به مراتب بعدی کمال، حرکت‌های مجدانه صورت می‌پذیرد.

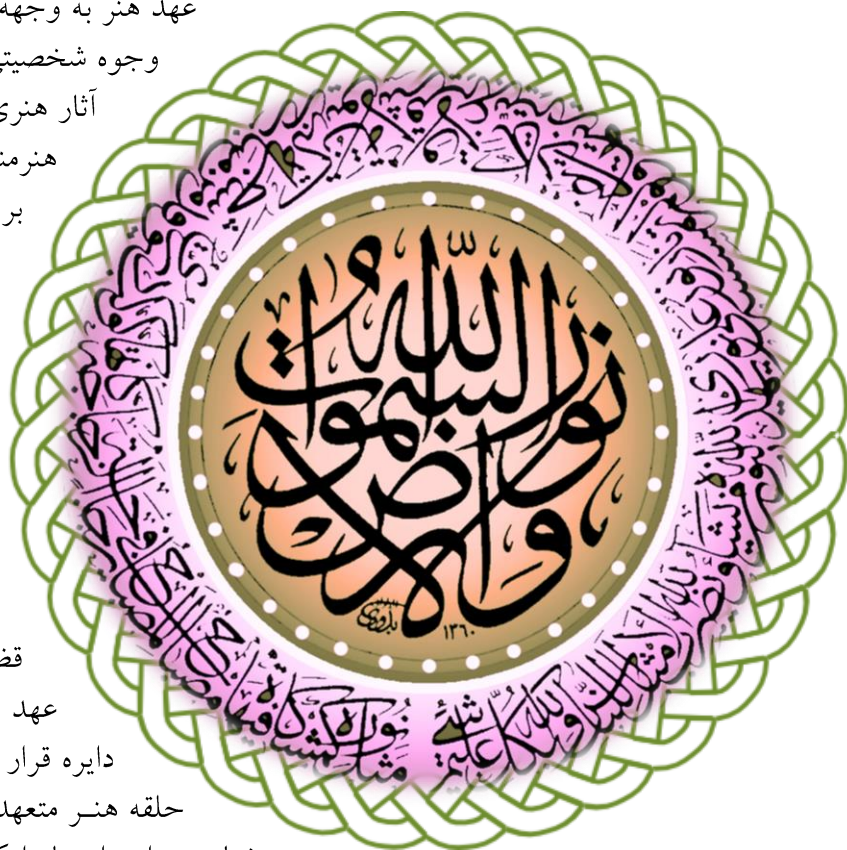
سازوکار و فرآیند

عهد هنر یک رویه برای استاندارد نمودن فعالیت‌هاست. برای یکسان نمودن قضاوت‌ها و ابزاری برای تشویق افزون شدن فعالیت هنرمندان در عرصه‌های تعهد هنری. از این رو، عهد هنر بر پایه یک هیئت علمی استوار است، هیئت علمی که نقش داوری آثار و قضاوت درباره پایبندی به تعهد هنرمندانه را داراست.



هیئت علمی ابزاری برای داوری می‌خواهد. از این رو، مفادی را در قالب قوانین داوری تنظیم می‌کند که اساس شناسایی اثر، اخذ آن و شرکت دادن در بررسی‌ست. هیئت علمی با تکیه بر این قوانین است که تعیین می‌نماید کدام فرد در حدّی از توانمندی‌ست که داخل در موضوع فعالیت قرار بگیرد و کدام آثار وی در نقد و ارزیابی شرکت داده می‌شوند. این قوانین بیان می‌نمایند که چه مقدار از تعهد باید در عناصر هنری اثر مزبور به کار گرفته شده باشد، تا آن را تبدیل به اثری ارزشی نماید و پایبند به هنر نشان دهد. هیئت علمی برای داوری خویش نیازمند قوانینی دقیق و روشن است که بدون ایجاد تردید و کشمکش، امتیاز اعطایی به هر اثر هنری و به تبع آن به هر هنرمند را توجیه نماید. شفافیت نخستین ضرورت فعالیت در داوری آثار و هنرمندان است.

عهد هنر به وجهه‌های سیاسی و امنیتی و اقتصادی و سایر وجوه شخصیتی هنرمند توجه ندارد. عهد هنر ناظر به آثار هنری است و بر اساس اثر به قضاوت از هنرمند می‌رسد. از این رو، نظام‌نامه دقیقی برای نقد هنری و تعهدی هر اثر در اختیار دارد که داوران را قادر می‌سازد امتیاز خود را بر اساس آن نظام‌نامه ثبت کنند. داوری در محیطی آزاد توسط اساتید هیئت علمی صورت می‌پذیرد و نتیجه داوری هر اثر برای تولیدکننده آن اثر ثبت می‌گردد. به حدّ نصاب رسیدن امتیاز آثار و تعداد آن‌ها برای یک هنرمند، امکانی را فراهم می‌آورد، تا بتوان قضاوت کرد آیا آن فرد در دایره عضویت عهد هنر محسوب می‌گردد، یا خارج از این دایره قرار گرفته است. داوران امتیاز هنرمندان درون حلقه هنر متعهدانه را از طریق سایت اینترنتی منتشر می‌نمایند و این امتیاز امکانی را برای سازمان‌ها، شرکت‌ها و



نهادهای متعهد فراهم می‌آورد تا در همکاری با هنرمندان به انتخاب دقیق‌تری دست بزنند.

اعضای عهد هنر

بدین ترتیب حلقه‌ای از اعضای عهد هنر شکل می‌گیرد. تمامی هنرمندانی که حداقل امتیاز تعهد هنری را اخذ نموده باشند، بر اساس نظام‌نامه و قوانینی که هم بر تعداد آثار متکی است، هم بر قوام هنری و استحکام اثر و هم تعداد ایمان‌ها و عناصر ارزشی و متعهدانه آن. بر طبق این قوانین، هر اثری که بهتر و عمیق‌تر به نیازهای ملکوتی و متعالی بشر و خواسته‌های سرکوب‌شده انسانی به دست نظام‌های اقتصادی ماتریالیستی و ظالمانه ضدبشری پرداخته باشد و در حقیقت بازگوی سرکوفتگی‌های انسان معاصر در دستان ستمکار جهله و طواغیت باشد، امتیازی بالاتر به دست می‌آورد و برای هنرمند خلاق آن برتری می‌آفریند.



افراد داخل حلقه بر اساس امتیازاتی که کسب نمایند معرفی شده و از مزایای عضویت در عهد هنر بهره‌مند می‌گردند. این امتیازها با تولید آثار جدید تغییر می‌یابد و مدام در نوسان و حک و اصلاح است.

تشویق هنرواران

هنگامی که خط اصلی تعهد هنری برای اولین بار ترسیم گردد، وقتی اساتید عرصه هنر به صورت روشن و دقیق اعلام نمایند چه عناصری در اثر هنری، آن را اثری متعالی می‌نماید و چه عناصر دیگری آن را پست، خوار، ذلیل و کم‌ارزش، خودبه‌خود جهت حرکت را نشان می‌دهد و آنان را که در سایه‌سار این درخت تنومند، هنر متعالی، آسوده‌اند و از آب این چشمه سیراب می‌گردند، به طریق صواب هدایت می‌کند.

از سوی دیگر، کارافزایی حاصل از امتیازی که عهد هنر به اعضای حلقه خویش می‌دهد، اسبابی را فراهم می‌نماید که پاره‌ای هنرورز به نرخ روز هم اگر در جامعه موجود باشد قانع نماید برای افزایش مشتری و دریافت سفارش کار بیشتر، به سراغ تعهد برون و عناصر ارزشی را در آثار خود بنگانند، به طمع کسب امتیاز عهد هنر و ورود به دایره اعضای آن. فراموش نکنیم همیشه نفاق یک گام نزدیک‌تر از کفر است. اگر کافر هم به زبان طعن دین می‌نماید و هم به عمل، منافق از ترس یا به سبب هوس، حداقل زبان خود را خرج دین می‌کند و سیاهی لشکر اسلام محسوب می‌گردد.

گالری آثار

عهد هنر خود را متعهد می‌داند که آثار هنرمندان را بر بستر فعالیت خود، اینترنت، ارائه نماید و آنان را در صفحات مشخصی معرفی کند. امتیازی که به هر هنرمند می‌دهد بیان نموده و تغییرات آن را در قالب یک وضعیت باثبات فرهنگی حفظ نماید.

عهد هنر امتیاز تعهد و فن در هر اثر را مجموعاً و بر اساس قواعد خود تنظیم کرده و در کنار هر اثر هنری به نمایش در می‌آورد. به حقوق تولیدکننده اثر احترام گذاشته و اثر وی را بدون اذن او با کیفیت قابل استفاده در اختیار غیر قرار نمی‌دهد.



اعتقاد ما بر این است که هنرورزی متکی بر تعهد و پایداری بر عهد هنر باید بتواند درآمدزا باشد، زیرا هر چه خواستنی‌ست، متقاضی دارد و متقاضی به اندازه و شدت خواستن حاضر است هزینه نماید. اثر هنری هر چه در جامعه ارزشی خواستنی‌تر باشد، نشان از هنری‌تر بودن و متعهدتر بودن دارد. هنر متعهد هنر رایگان نیست، حتی اگر کاری را فی سبیل الله به انجام برساند، قطعاً برای دستیابی به رضایت پروردگار است که در نظر انسان باهوش از هزاران هزار سکه طلا که در دنیا به وی داده شود با ارزش‌تر و قیمتی‌تر است. هنرمند خود را به ثمن بخس نمی‌فروشد و برای هیچ، کار نمی‌کند. هنر خوب باید قیمت خوب داشته باشد و عهد هنر پاسدار ارزش هنر است.

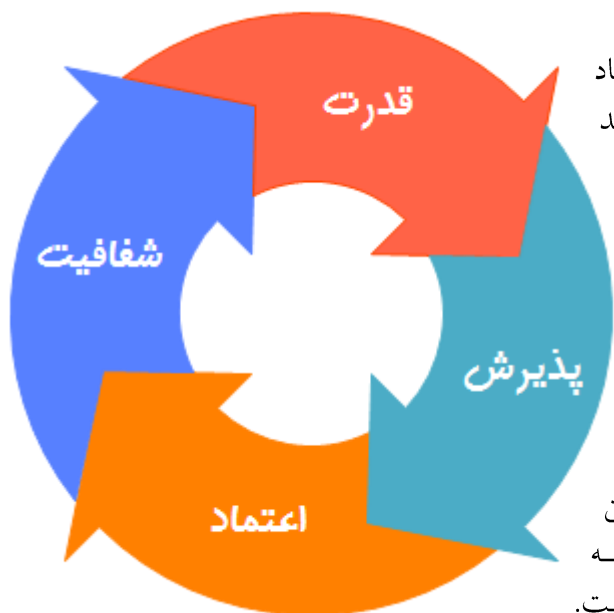
استمرار بر اصول

خط مستقیم و شفافیتی که عهد هنر با تولید نظام‌نامه خود و تبعیت از قواعد آن در امتیازدهی آثار ایجاد می‌نماید، اصلی‌ست که باید مراعات شود و نباید مورد تخطی قرار گیرد. عهد هنر خود را متعهد می‌داند که بر این سبیل استوار پیوسته باقی بماند و این اعتماد را در مخاطبین و همچنین هنرمندان ایجاد نماید که هرگز نه از ارزش‌ها عدول خواهد کرد و نه از فن. هنر باید هنر باشد و نمی‌توان آن‌چه هنر نیست را با بازی‌های پشت پرده و تعاملات غیرانسانی و ظالمانه متکی بر روابط، به جای هنر جا زد. هنر باید هنر باشد و امتیاز باید بر اساس اندازه هنری بودن اثر به آن داده

شود. پیشگام بودن نیز جزئی از اصول هنر است و اثر هنری اگر حرف تازه‌ای برای پیشرفت بشریت نداشته باشد، تکراری بی‌فایده و بی‌محتواست.

عهد هنر بر عهد خود پایدار می‌ماند و به حول و قوه الهی از اصول خویش کوتاه نخواهد آمد و آئین‌نامه و نظام‌نامه‌ای که در آغاز کار تدوین می‌نماید تا روزی که برجاست پاس می‌دارد.

اصول پیشرفت



اگر غرض، غربال هنر از غیرهنر باشد، باید که نهاد استانداردساز اعتمادساز هم باشد. نخستین عنصری که عهد هنر واقعاً محتاج آن است «اعتماد» است. عهد هنر باید اعتماد دو نهاد اجتماعی را به دست آورد؛ نخست هنرمندان را که تولیدکنندگان آثارند و دیگر مشتریان را که مصرف‌کنندگانند.

اعتماد مبتنی بر شفافیت است. سازمانی که سازوکار درونی آن معلوم نیست، هر داوری و قضاوتی که داشته باشد متهم به خیانت است. به سادگی گرفتار تهمت می‌شود و همین حرف و حدیث‌های پشت سر، بزرگ‌ترین تیشه‌ای است که به ریشه چنین نهادی می‌خورد. داوری نیازمند آشکار بودن است.

هم مفاد داوری باید آشکار باشد، قوانین و قواعدی که ملاک برای داوری هستند.

هم داورها باید شناخته‌شده باشند و هم تک‌تک داورها باید مستند گردد. اگر اصول کار شفاف نباشد، اگر امتیازها با بیان دلیل به روشنی تبیین نگردد، اگر جایگاهی که به هر هنرمند در حلقه عهد هنر داده می‌شود معلوم نباشد بر چه اساسی استوار بوده، قطعاً اعتمادها سلب خواهد شد، حتی اگر به بهترین نحو و با بیشترین دقت قضاوت شده باشد.

اساس کار داوری بر آشکاریست و اساس کار عهد هنر به عنوان نهادی که قصد استانداردسازی تعهد هنری را دارد بر اعتماد. لذا نمی‌شود داده‌ها را پنهان کرد و اطلاعات را مخفی داشت. باید همه آراء را بر دایره ریخت و اعضا را مُحِق دانست برای اطلاع از تمامی گفتگوها و محاسبه‌ها و رأی‌گیری‌ها.

روند دستیابی

در نخستین قدم، عهد هنر به تشکیل هیئت علمی خویش مبادرت می‌ورزد، از میان ورزیدگان و برجستگان هنر متعهد. آنان که در پاسداشت تعالی هنر و قصد عمیق آن رشادت و ایستادگی خود را نمایانده‌اند و بارها آزموده شده، به محک نقد آمده‌اند.

این هیئت علمی مؤسس، طریق نگارش آئین‌نامه و نظام‌نامه را ره می‌گیرد. آئینی برای تعیین صلاحیت‌های هنری و تعهدی اعضای هیئت علمی، تا آنان که در آینده داخل هیئت می‌شوند، یا آنان که ممکن است روزی ناگزیر به خروج از هیئت گردند بر اساس این آئین‌نامه معلوم گردند.

نظام‌نامه نیز قوانینی را بیان می‌دارد که امتیازات داوری آثار و هنرمندان را رقم می‌زند. یک آستانه اولیه تعریف می‌نماید که اگر اثری به این آستانه دست‌یافت داخل در بررسی‌ها گردد و اگر هنرمندی به این حداقل رسید، داخل در اعضای عهد هنر شود. روندی ترسیم می‌شود و نقشه‌ای که با اتکا بر آن بتوان امتیازات را توزیع نمود.

اکنون هیئت علمی، هنرمندان شهر قم را فهرست می‌نماید. آثارشان را جمع می‌کند و بر اساس اطلاعات اولیه‌ای که دارد با آنان مکاتبه و مصاحبه می‌نماید. آثار ارزیابی شده و امتیاز هنرمندان مزبور معلوم می‌گردد. آنان که حدّ نصاب را کسب کردند، به عضویت نائل می‌شوند و امتیاز آنان همراه با گالری آثار و صفحه مخصوص و ویژه در سایت اینترنتی عهد هنر نقش می‌بندد.

هیئت علمی با نهادهای و مؤسسات مختلف مرتبط شده و مکاتبه می‌نماید. ضمن معرفی خود و اهداف خویش، می‌خواهد تا هنرمندانی که می‌شناسند معرفی نمایند و به هنرمندان خویش نیز خبر دهند که به سراغ سایت مجموعه بیایند.

زحمت شناسایی سایر هنرمندان بر عهده همانان است. هر هنرمند که آثار خویش عرضه کرد و از طریق سایت ارسال نمود، پس از غربال، مورد ارزیابی قرار گرفته و امتیازگذاری می‌شود.

آمارهای گویا

روال کار همچنان پیش می‌رود و پیوسته هم هنرمند اضافه می‌گردد و هم بر تعداد آثار افزوده می‌شود.

در این میانه آمارها و نمودارها اطلاعات ذی‌قیمتی به دست می‌دهند!

افزایش آثار هنرمندان متعهد از نظر کیفیت و کمیّت به دست آمده و می‌تواند بیّنه‌ای باشد بر این که مسیر حرکت عهد هنر صحیح است و توانسته مشوّق فعالیت آنان باشد.

آمارهای افزایش سفارش کار چراغ چشمک‌زن و اخطاری برای تمام آنانی خواهد بود که بر عهد هنر نمانده‌اند. ارائه شفاف و روشن این آمارها و اطلاعات نشان روشنگری برای مردّین می‌شود، تا مسیر خود را باز جویند و خط قرمزهای هنر را بگیرند و در دایره ارزش‌های اجتماعی قدم نهند. بدین ترتیب در دایره اعضای عهد هنر درخواهند آمد و از مزایای ارتباطات و کارافزایی‌ها و امتیازات مربوطه بهره‌مند خواهند شد.





نهادهای نظام اسلامی و مسئولین آنها ذاتاً تمایل دارند در چارچوب ارزش‌ها عمل کنند و مایل نیستند هنر کوتاه‌نظر را به خدمت گیرند. اما به دو علت در رنج می‌افتند و در بسیاری از موارد راه کج می‌روند. نخست این‌که هنر متعهد را نمی‌شناسند و فریب چند منحنی اشتباه در طرح و نقشه را می‌خورند و آنچه را که انحراف در هنر است، به گفتار هنرناامری ارزشی تلقی می‌نمایند. این گروه وقتی عهد هنر به یاری‌شان شتافته و هنر متعهد را نشان‌شان دهد و هنرمند متعهد را، قطعاً خط سیر ارتباطات و همکاری‌های خود را تغییر خواهند داد.



اگر گروهی از عناصر معاند و مغرض هم در دستگاه‌ها

باشند که بخواهند به ارزش هنر آسیب وارد آورند و از روی تعمد با هنرمند ضد هنر دست همدلی دهند، این گروه نیز با ترفند عهد هنر رسوا می‌گردند. وقتی پرده‌ها کنار رود و هنر فقط و فقط به محک هنر سنجیده شود، هنری که ندای حلقوم مظلومان عالم است، آن گونه که خاستگاه هنر بوده و هست، این نهادها در گزارشات خود دیگر نخواهند توانست هر قرارداد با هر هنرمندی را ثبت نمایند. نهادهای بالادستی پی به صداقت و شفافیت عهد هنر برده و گزارشات را با این استانداردها خواهند سنجید.



در هر دو صورت همان‌گونه که این استاندارد شدن حضور ارزش در هنر، هنرمند متعهد را که بر عهد خویش با هنر پایدار مانده تشویق می‌نماید و عرصه فعالیت وی را می‌گشاید، به همان طریق عرصه را برای تولید آثار ضد‌هنری که فی‌نفسه یک پارادوکس شگفت و باورنکردنی هستند، هنرهای معکوس که آب را برای ایجاد تشنگی به کار می‌گیرند، نه رفع آن و بیمار را به جای شفای با دارو، به زهر می‌کشند، تنگ می‌کند و آنان را وامی‌دارد از راه رفته بازگردند و به طریق سره درآیند.



توضیحات و تبیینات



عهد هنر ساختار ساده‌ای دارد. خالی‌ست از پیچیدگی‌ها و صعوبت‌ها و هر آنچه که قضاوت‌ها را دشوار می‌نماید. نهادهای داوری باید که ساده باشند، آن‌قدر که فهم آن برای همه مرتبطان ممکن شود و جای حرف و سخن باقی نگذارد. برای حفظ این سادگی باید به نکاتی توجه کرد.

نخست: اگر شبهه شود که هنر را به ذاتش نمی‌شود قسم داد، که ذات هنر می‌تواند بی‌دین باشد و ما شیعیان دین داریم. پاسخ این است: ما هنر را به قداستش قسم می‌دهیم. هنر حنجره بیدار انسان‌هاست. هنر ذاتاً از محرومیت برمی‌خیزد، از درد و رنج، درست از جایی که سخن گفتن ناممکن می‌شود. هنرمند اگر می‌توانست بگوید که نمی‌ساخت. جامعه اگر قادر بود رُک حرف بزند که به هنر پناه

نمی‌برد. هنر همیشه بغض فروخورده است. هنر رنجی‌ست که چون در آزادی بیان رها نشده، چه که گلوله‌های فرهنگ نابهنجار اجازه بیان نداده، خود را در سایه خط و گره و نقطه و پیچش‌ها پنهان ساخته. حرفی‌ست که زده می‌شود، اما به زبانی که نرنجاند. انتقال پیامی‌ست که خُرمت‌ها را نگه می‌دارد و بر عداوت‌ها نمی‌افزاید. هنر زبان انتقاد مهربانانه است. اگر جایی در این دنیا برخی هنر را شهوانی تلقی کرده‌اند، آنان گرفتار شهوات سرکوب‌شده و نابرابرند. زیباییان را ثروتمندان ربوده‌اند و هنرمند رنجور این ظلم، زخم ارضا نشدن غرایزش را بر بوم باز می‌کند، در موسیقی، در شعر، در رمان، در فیلم و هر آنچه که بتواند. تا هنر هنر باشد، بانگ مستضعفین است، قلم نیست، چماق ظلم‌ستیزی‌ست و این بانگ، حق است.



دیگر: تأکید بر شفافیت. معیار بودن نیازمند قدرتِ پذیرش است. استاندارد اگر پذیرفته نشود ثمر نمی‌دهد. پذیرش فرع بر اعتماد است. انسان تا اعتماد نکند، نمی‌پذیرد. اعتماد نیز پیوسته تابعی از شفافیت است. تا آشکار عمل نکنیم و بازی‌مان رو نباشد، اگر چیزی در ورای ضوابط، رابطه‌وار عمل نماید، جامعه داناست، زود می‌فهمد. اگر تعهد شرط داوری‌مان است، باید که در آئین‌های‌مان ثبت شود، در نظام‌نامه گفته آید. هر چه شفاف‌تر، اعتماد بیشتر.



باشد که خداوند یاری نماید در این تکلیف و بار را سبک کند که اگر جهت حرکت الهی باشد، هر قدم انسان به قدم هزاران ملک تقویت گردد و خطاها پوشش داده شده، به بهترین نحو تغییر می‌یابد. امداد خداوند همواره همراه آنانی‌ست که برای تعالی بشر در راه او گام بر می‌دارند. آن‌که قصد گره زدن بندگان خدا را با خدا داشته باشد، خداوند او را به خود گره می‌زند و پیوسته حفظ می‌نماید. ح

تعداد کلمات: ۳۷۶۱	تعداد کاراکترها: ۱۵۷۸۹
تعداد صفحات: ۱۶	تعداد کاراکترها همراه با فاصله: ۱۹۴۸۴
حجم فایل به کیلوبایت: ۸۷۶۲	تعداد خطوط: ۲۶۳
تعداد پاراگراف: ۹۰	تاریخ ایجاد: ۱۴/۲۱/۰۸ ۰۶:۵۲ ب.ظ
زمان کار به دقیقه: ۸۸۷	آخرین ویرایش: ۱۶/۲۱/۰۸ ۰۸:۰۲ ب.ظ